

The Relationship between Mothers' Parenting Styles and the Identity Base and Religiosity of Female Students in Senior High School

Saboora Tahmaseb-Nejad¹, Khadijeh Arin²

Paper type:
Research paper

Abstract

- **Objectives:** The purpose of this study was to investigate the relationship between mothers' parenting styles and the identity base and religiosity of the female students at senior high school in the humanities field in Babol, Iran.
- **Method:** The research method is descriptive method of correlation. The statistical population of this study consisted of all female school students at senior high school in the field of humanities, who studied in the Babol public schools in the school year 2019-2020. Through simple sampling method, 120 students and their mothers were selected. The tools were the Identity Base Questionnaire (Adams, 1989), the Aryan Muslim Religiosity Questionnaire (2000) and the Baumrind's Parenting Styles Questionnaire (Esfandiari, 1996). For the analysis of the data, descriptive frequency index and inferential statistics of Spearman and Pearson correlation coefficient and Kolmogorov-Smirnov test were used.
- **Findings:** The findings showed there was a significant relationship between authoritative, negligent and authoritarian parenting styles and the identity base of female students. However, there was no significant relationship between parenting styles and girls' religiosity.
- **Conclusion:** Therefore, one of the ways to strengthen the identity base of students is to help parents to adopt an authoritative approach in educating their daughters.

Keywords: parenting styles, identity, religiosity, Female students, senior High School.

Citation: Tahmaseb-Nejad,S., & Arin,K. (2020). The Relationship between Mothers' Parenting Styles and the Identity Base and Religiosity of Female Students in Senior High School. *Applied Issues in Islamic Education*, 5(3): 83-100.

Received: 2020/11/29

Accepted: 2021/01/04

1. MA in educational sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

E-mail: saboratahmasbnezhad1364@gmail.com.  0000-0001-8665-8660

2. **Corresponding Author:** Assistant Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

E-mail: kharyan@Hotmail.com.  0000-0002-7898-4009





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران با پایگاه هویت و دینداری دانش‌آموزان دختران دوره متوسطه دوم

خدیجه آراین*

صبورا طهماسب نژاد*

چکیده

- هدف: هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران با پایگاه هویت و دینداری دانش‌آموزان دختر سال‌های متوسطه دوم در رشته علوم انسانی شهر بابل می‌باشد.
- روش: روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر سال‌های متوسطه دوم در رشته علوم انسانی شهر بابل بود، که در سال ۹۸-۹۹ در مدارس دولتی شهر بابل و در مقطع متوسطه دوم مشغول به تحصیل بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری ساده تعداد ۱۲۰ دانش‌آموز و مادرانشان انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده پرسش‌نامه پایگاه هویت (Adams & Bennion, 1986) و پرسش‌نامه سنجش دینداری فرد مسلمان آراین (۱۳۷۸) و پرسش‌نامه شیوه فرزندپروری بامریند (اسفندیاری، ۱۳۷۴) بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص آماری توصیفی فراوانی و آمار استنباطی ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون و آزمون کولموگروف-اسمیرنف استفاده شد.
- یافته‌ها: نتایج این پژوهش رابطه معناداری بین شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه با پایگاه هویت دانش‌آموزان دختر نشان داد. این در حالی است که بین شیوه‌های فرزندپروری با دینداری دختران رابطه معناداری وجود نداشت.
- نتیجه‌گیری: بنا بر این یکی از راه‌های تقویت پایگاه هویت دانش‌آموزان کمک به والدین در اتخاذ رویکرد مقتدرانه در تربیت دختران خود می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: شیوه‌های فرزندپروری، هویت، دینداری، دانش‌آموزان دختر، متوسطه دوم

مقدمه

در تربیت افراد، نهادها، عوامل و افراد گوناگون نقش دارند. یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت فرد خانواده است. محیط خانه نخستین و بادوام‌ترین عاملی است که در رشد شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد. نفوذ والدین در فرزندان تنها محدود به جنبه‌های ارثی نیست، در آشنایی کودک با زندگی گروهی و فرهنگ جامعه نیز خانواده نقشی مؤثر دارد (طباطبایی، ۱۳۹۴). اولیا باید برای رشد و تربیت فرزندان خود از بهترین روش تربیتی متناسب با مراحل رشد بهره بگیرند. تجارب نخستین کودک که پایه‌گذار شخصیت و منش اخلاقی اوست در خانواده شکل می‌گیرد. خانواده کانونی است که به واسطه آن ارزش‌های اخلاقی، باورهای دینی و معیارهای اجتماعی و به‌طور کلی فرهنگ جامعه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. به‌همین جهت خانواده مهم‌ترین محیط برای تربیت کودک و نیز تربیت نیروی انسانی برای جامعه است. در اندیشه اسلامی استحکام خانواده در گرو احترام متقابل زوجین، پایبندی به حقوق و وظایف یکدیگر، وجود روابط عاطفی پایدار و برخورداری از باور عمیق دینی و نیز عمل براساس آن است، زیرا در این صورت است که سبک زندگی خانواده براساس آموزه‌های دینی و اخلاقیات شکل گرفته، با توجه به نقش الگویی والدین، زمینه برای تحقق تربیت دینی فرزندان و به تبع آن پایبندی به ارزش‌های دینی و اخلاقی و عمل براساس آن فراهم می‌شود. (بیگدلی، ماهروزاده، ۱۳۹۴).

خانواده پایه‌گذار شخصیت، هویت، ارزش‌ها و معیارهای فکری فرزندان و محل یادگیری فرهنگ، هنجارها، ارزش‌ها و نقش‌های جنسیتی است (Dudley Poston, 2014). البته نقش خانواده در رشد هیجانی، شناختی و اجتماعی فرزندان در دوره‌های مختلف رشدی، متفاوت است. شاید بتوان گفت که این نقش در انتقال فرزندان از دوره کودکی به دوره نوجوانی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد. تغییر از حالت وابستگی به استقلال و پذیرش مسئولیت برای نوجوانان به‌عنوان یک چالش بزرگ به‌شمار می‌رود، که در این میان نوع برخورد والدین می‌تواند در کمک به نوجوانان برای رویارویی با این چالش بزرگ، اثرگذار باشد (Mendonca, Fontaine, 2014). فرزندپروری به‌عنوان فعالیتی پیچیده شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه‌ای است که به‌طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. شیوه‌های فرزندپروری^۱ به‌عنوان مجموعه‌ای از رفتارها که تعاملات والدین

و کودک را در طول دامنه گسترده‌ای از موقعیت‌ها توصیف می‌کند و یک جو تعاملی تأثیرگذار را به وجود می‌آورد، تعریف می‌شوند (ظهیری و هنرپروران، ۱۳۹۵). سه سبک فرزندپروری عبارتند از: سبک مقتدرانه^۱ که والدین ضمن کنترل منطقی فرزندان، توقعات منطقی و عاقلانه‌ای دارند. در این الگو، توقع و پاسخ‌دهی هر دو در سطح بالایی قرار دارند. سبک مستبدانه^۲ که والدین از لحاظ کنترل منطقی، رتبه پایین‌تری دارند، کمتر با فرزندان صمیمی هستند و بیشتر بر اعمال قدرت و انضباط اجباری تأکید دارند. این الگو با سطح بالایی از توقع به هم راه سطح پایینی از پاسخ‌دهی مشخص می‌شود و سبک سهل‌گیرانه^۳ که در این سبک، والدین فرزندان خود را کنترل نمی‌کنند و از آنها توقع رفتار عاقلانه را ندارند و به آنها آموزش استقلال و متکی به نفس بودن را نمی‌دهند. این الگو با سطح بالایی از پاسخ‌دهی به همراه سطح پایینی از توقع مشخص می‌شود (یوسفی، امانی و بابایی، ۱۳۹۴). خانواده به‌عنوان اولین واحد اجتماعی و جامعه‌ای کوچک که هدف آن توسعه و رشد اجتماعی کودکان است، مورد تأکید قرار گرفته است.

دوران نوجوانی^۴ و جوانی یکی از بحرانی‌ترین ادوار زندگی انسان محسوب می‌شود. این مرحله از رشد به علت تأثیر عمده‌ای که بر نوجوان می‌گذارد، توجه ویژه متخصصان رابه خود جلب کرده است. یکی از ابعاد مهم تحول در این دوره، تلاش نوجوان برای کسب هویت در ابعاد مختلف است. هویت^۵ یک احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود و یک سازه و ساختار روانی اجتماعی است که از برداشت فرد از خود و هم‌چنین آزارش‌هایی که از جانب دیگران دریافت می‌کند، و از همانندسازی با دیگران تشکیل شده است. اگر هویت فرد در طی زمان و براساس تجربیات حاصل از برخورد درست اجتماعی شکل بگیرد و جوان بتواند خود را بشناسد و از دیگران جدا سازد، تعادل روانی وی تضمین می‌شود. ولی اگر به‌جای خودآگاهی و تشکیل هویت مثبت دچار ابهام در نقش شود، هماهنگی و تعادل رفتاری وی به هم می‌خورد و دچار بحران هویت می‌گردد.

1. Authoritative
2. authoritarian
3. permissive
4. adolescence
5. identity

مارسیا (Marcia, 1980) با ترکیب حضور یا فقدان این معیارها (عبور از بحران و کسب تعهد) چهار پایگاه هویت را مشخص کرد. پایگاه هویت موفق^۱ (فرد بحران را پشت سر گذاشته و دارای تعهد است)، پایگاه هویت تعلیق (فرد در دوره بحران است و تعهدی ایجاد نکرده است)، پایگاه هویت زودرس^۲ (فرد بحرانی نداشته، اما دارای تعهد است)، پایگاه هویت سردرگم^۳ (فرد در حال حاضر نه بحران دارد و نه دارای تعهد است).

این پایگاه‌ها نتیجه دوران بحران هویت و چهارگونه متفاوت شکل‌گیری آن هستند. هر فرد در اواخر نوجوانی (۲۲-۱۸ سالگی) باید پایگاه هویت مستقلی داشته باشد (Pa-palya, 2016). هویت ممکن است ترکیبی از اثر بخشی و دانش شناختی باشد تا شنات تنها و هویت فرهنگی و ملی نقش مهمی در فرآیند هویت‌یابی کلی افراد دارد (2011, Savicki & Cooley). بخشی از فرآیند تشکیل هویت مستلزم آن است تا افراد ضمن آزمون موضوع‌های گوناگون و انتخاب موارد مناسب نحوه جلوه خود را در نظر دیگران به‌صورتی موجه تعیین کنند. به این صورت که محیط‌های فرهنگی متفاوت موجب تفاوت در نحوه شکل‌گیری دیدگاه‌های افراد می‌شوند (Erikson, 1970). هویت یک جنبه اساسی و درونی است که به کمک آن یک فرد با گذشته‌اش مرتبط می‌شود و در زندگی احساس تداوم و یکپارچگی می‌کند. به سخن دیگر، هویت مفهوم ذهنی یک فرد از خودش به‌عنوان یک فرد بی‌نظیر و دارای ثبات است (Berzonsky & Kuk, 2005). مدل‌های فرهنگی توسعه هویت باید به زمینه و بستر فرهنگی بیش از پیش توجه کنند و هویت دینی تحت‌تأثیر آموزه‌های دینی مدارس قرار دارد. هویت دستاورد مهم رشد شخصیت در نوجوانی و گامی مهم به سوی ثمر بخش بودن است (حیدری و رمضان‌ی بصری، ۱۳۹۳).

واژه «دین»^۴ در لغت، به‌معنای کیش، آیین، طریقت و شریعت است و در اصطلاح، به مجموعه اصول، قواعد بنیادی، احکام و دستوراتی اطلاق می‌شود که از سوی خدا به انسان داده شده است. باورهای دینی عنصر مشترک و مرکزی نظام‌های معناداری بسیاری از افراد هستند (باباپور خیر الدین، اسماعیلی انامق، غلامزاده، محمدپور، ۱۳۹۰). هر چه والدین رفتارهای محبت‌آمیز، پذیرش و مصاحبت بیشتری در ارتباط با فرزندان نشان دهند،

1. achive
2. forectisure
3. diffusion
4. religion

فرایندهایی که منجر به رشد هویت پیشرفته می‌گردند را بیشتر تقویت می‌کنند (باباپور و همکاران، ۱۳۹۰). روابط بین دینداری، هم‌پدر و مادر و هم‌دانشجو و شیوه فرزندپروری مادران و خودتنظیمی تحصیلی، پیشرفت تحصیلی و رفتار مخاطره‌آمیز دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل همبستگی نشان داد که فرزندپروری مقتدرانه با سطوح بالای از عملکرد تحصیلی و مهارت‌های مطالعه در ارتباط است (یزدخواستی، بابایی‌فرد، کیانی، ۱۳۹۷). (Zare, F., Bakhshipour, B., & Hassanzadeh, R., 2014) در مطالعه خود نشان دادند که میان شیوه فرزندپروری مستبدانه و سلامت روانی رابطه منفی و میان شیوه فرزندپروری مقتدرانه و سلامت روانی رابطه مثبت وجود دارد. همچنین نتایج رجب‌تبار، یحیی‌زاده و حسینی (۱۳۹۵)، نشان داد که با افزایش میزان استفاده از دو سبک مستبدانه و مقتدرانه، میزان نگرش مذهبی در دانش‌آموزان افزایش می‌یابد؛ اما بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و نگرش مذهبی رابطه معناداری یافت نشد. زرین‌جوی و فیاض (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای که در زمینه بررسی رابطه بین روش‌های تربیتی مادران و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بین روش تربیتی اقتدار منطقی مادران و مسئولیت‌پذیری پسران رابطه مثبت و بین روش تربیتی سهل‌گیرانه و سخت‌گیرانه مادران با مسئولیت‌پذیری پسران رابطه منفی معنادار وجود دارد. پژوهشگران در مطالعه خود یادآور شدند که پسران، مادران خود را مراقبت بیش از اندازه، دخالت‌کننده و گرم و پدران را دور و فاقد گرمی ارزیابی می‌کنند، اما دخترها مادران خود را به‌عنوان فراهم‌کننده ارتباط حمایت‌گرانه و پدرانشان را به‌عنوان نماد قدرتی که زمان کمی را با آن‌ها می‌گذرانند، ارزیابی می‌کنند (Uji, Sakamoto, Adachi, & Kitamura, 2014). علاوه بر این رابطه حضور هفتگی در مراسم مذهبی کلیسا با سلامت روان مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد، کودکانی که در مراسم‌های مذهبی حضور بیشتری داشتند پرخاشگری کمتری از خود در موقعیت‌های خانه و مدرسه نشان می‌دادند (Abbotts, Williams, Sweeting, West, 2004).

از جمله متغیرهایی که در کل و به‌ویژه در دختران تحت تأثیر الگوهای تربیتی است دینداری است. دینداری یعنی داشتن اهتمام دینی به‌نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد. از این‌رو کشف و شناسایی نگرش، گرایش و کنش‌های فرد مستلزم مطالعات درون دینی است اما عمق شدت، تأثیرگذاری و روند تغییرات آن

مستلزم واریسی‌های بیرونی است. مطهری (۱۳۹۵) سه مؤلفه اعتقادات، احکام و اخلاق را از مؤلفه‌های کلیدی دینداری تعریف نموده است محمدی شوره و فرج‌اللهی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای که در زمینه دینداری دختران انجام دادند دریافتند که در نظام آموزشی کسسانی که در تربیت دختران نقش کلیدی دارند مثل اولیاء مدرسه از قبیل معلمان، معاونان و مربیان پرورشی در دینداری دانش‌آموزان نقش کلیدی از خود به‌جا می‌گذارند. با توجه به آنچه گفته شد تحقیق حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سؤال این است که آیا بین شیوه‌های فرزندپروری مادران و دینداری دانش‌آموزان دخترشان رابطه وجود دارد و آیا بین شیوه‌های فرزندپروری مادران و هویت دانش‌آموزان دخترشان رابطه وجود دارد؟

روش پژوهش

در این پژوهش از دانش‌آموز دختر و مادر همان دانش‌آموزان استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر سال‌های متوسطه دوم در رشته علوم انسانی شهر بابل بود، که در سال ۹۹-۹۸ در مدارس دولتی شهر بابل و در مقطع متوسطه دوم مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه در این جامعه با توجه به اینکه روش تحقیق همبستگی می‌باشد و حجم جامعه ۱۲۰۰ نفر بودند ۲۵ درصد یعنی ۱۲۰ نفر به‌طور تصادفی ساده انتخاب شدند به این صورت که چهار مدرسه به‌صورت تصادفی در بین مدارس علوم انسانی انتخاب شدند و پرسش‌نامه را در بین دانش‌آموزان توزیع کردیم و از ۱۲۰ مادر همین دانش‌آموزان برای اجرای پرسش‌نامه استفاده کردیم.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق عبارتند از: پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری (اسفندیاری، ۱۳۷۸)، پرسش‌نامه پایگاه هویت، (آدامز و همکاران) و آزمون سنجش دینداری فرد مسلمان (آرین، ۱۳۸۷).

پرسش‌نامه فرزندپروری تجدید نظر شده اسفندیاری (۱۳۷۴)

این پرسش‌نامه توسط بامریند (۱۹۹۱) تدوین شده است. اسفندیاری بر اساس پرسش‌نامه بامریند با حفظ ساختار کلی به بوم‌سازی آن و تطبیق آن با روش‌های

تربیتی اسلام پرداخته است که پس از انطباق با مبانی تربیتی اسلامی در اختیار تعدادی متخصصان روان‌شناس تربیتی و صاحب نظران تعلیم و تربیت قرار داده است که بر اساس اظهارنظرهای آنان نسخه اصلی تهیه شده است. این پرسش‌نامه دارای ۳۰ گویه است که سه شیوه تربیتی مادران یعنی شیوه سهل‌گیرانه و سخت‌گیرانه و اقتدار منطقی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. این پرسش‌نامه شامل ۳۰ گویه است که ده گویه به شیوه سهل‌گیرانه (جملات شماره (۲۸ و ۲۴ و ۲۱ و ۱۹ و ۱۷ و ۱۴ و ۱۳ و ۱۰ و ۶ و ۱) و ده گویه آن به شیوه مستبدانه (جملات (۲۹ و ۲۶ و ۲۵ و ۱۸ و ۱۶ و ۱۲ و ۹ و ۷ و ۳ و ۲) و ده گویه دیگر آن به شیوه مقتدرانه (۳۰ و ۲۷ و ۲۳ و ۲۲ و ۲۰ و ۱۵ و ۱۱ و ۸ و ۵ و ۴) مربوط می‌شود در مقابل هر عبارت ۵ ستون با عناوین کاملاً موافقم، موافقم، نه موافق و نه مخالفم، مخالفم و کاملاً مخالفم قرار دارد که به ترتیب از ۵ تا ۱ نمره‌گذاری می‌شوند. این پرسش‌نامه‌ها هم توسط پدر و هم توسط مادر به‌طور جداگانه پاسخ داده می‌شود. اما در این مطالعه فقط مادران به این پرسش‌نامه پاسخ دادند. با جمع نمرات جملات مربوط به هر شیوه سه نمره مجزا به‌دست می‌آید و نمره مربوط به هر شیوه که بیشتر باشد به‌عنوان فرزندپروری در نظر گرفته می‌شود. البته در بهترین حالت نمره هر شیوه فرزندپروری، معدل پرسش‌نامه پدر و مادر است اما در این مطالعه فقط نمره مادران مبنا قرار گرفته است. روایی محتوای این ابزار توسط ۱۰ نفر از صاحب نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است (سهرابی، حسنی ۱۳۸۶. به نقل از شکری و همکاران) کار (۱۳۸۷) میزان پایایی این پرسش‌نامه را با روش باز آزمایی ۰/۸۱ برای آزادگذاری ۰/۸۶ برای استبدادی ۰/۸۷ و برای اقتدار منطقی به‌دست آورد همچنین وی در مورد میزان روایی پرسش‌نامه از روش روایی افتراقی استفاده کرد که نتیجه گزارش شده به این صورت بوده مستبد بودن مادر رابطه معکوسی با آزادگذاری ۰/۳۸ و اقتدار منطقی ۰/۴۷ و دارد مست بودن پدر رابطه معکوسی با آزادگذاری ۰/۵۰ و اقتدار منطقی ۰/۵۲ خود دارد در ایران نیز توسط سهرابی و حسنی پایایی پرسش‌نامه با روش باز آزمایی برای شیوه‌های سهل‌گیری ۰/۶۹ برای شیوه‌های استبدادی ۰/۷۷ و برای شیوه‌های قاطع و اطمینان ۰/۷۳ بخش گزارش شده است. روایی ابزار در این پژوهش توسط ۸ نفر از صاحب نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی مورد بررسی قرار گرفته و روایی صوری آن

را تأیید کردند. شکری و همکاران (۱۳۹۴) پایایی این ابزار در پژوهش حاضر نیز با استفاده از روش باز آزمایی به روی ۲۰ نفر از معلمان به فاصله زمانی سه هفته $0/68$ گزارش گردید و ضرایب آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس‌های اقتدار منطقی است $0/79$ استبدادی $0/73$ و سهل گیرانه $0/74$ به دست آمد که ضرایب موفق ضرایب فوق معرف پایایی بالای ابزار است.

پرسش نامه سنجش دینداری (آرین، ۱۳۷۸)

آرین (۱۳۷۸) برای مطالعه سنجش دینداری دانشجویان به تهیه و تدوین این پرسش نامه اقدام نمود. این پرسش نامه شامل ۱۸ سؤال است که با بررسی و مطالعه پرسش نامه‌های موجود سنجش دینداری و با توجه به احادیث و روایات اسلامی تهیه شده است. این پرسش نامه سه مؤلفه باور دینی، اعمال دینی و تعالی الهی را مورد اندازه گیری قرار می دهد. مجموع نمره‌های سؤال‌های ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ باورهای دینی است. مجموع نمره‌های سؤال‌های ۸ و ۱۰ و ۱۱ نمره اعمال دینی است. مجموع نمره‌های سؤال‌های ۱۲ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ نمره تعالی الهی است. نمره فرد در این پرسش نامه مجموع نمره‌های شاخص میزان دینداری او است. سؤالات این پرسش نامه در مقیاس ۵ درجه یا تنظیم شده است (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم). نمره گذاری در این پرسش نامه به این صورت است که به پاسخ خیلی کم نمره ۱ و به پاسخ خیلی زیاد نمره ۵ داده می شود. یعنی به موارد به ترتیب از خیلی کم به خیلی زیاد از ۱ تا ۵ نمره دارد. سپس نمرات با هم جمع می شوند. مقیاس سنجش دینداری فرد ابتدا بر روی گروه کوچکی شامل ۵۰ نفر دانشجوی روان شناسی دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه در تهران اجرا شد. جهت سنجش پایایی این آزمون از آلفای کرونباخ استفاده شد. که نتایج نشان دهنده آن است که ضریب پایایی این آزمون $0/92$ می باشد که این نتیجه بیانگر دقت و ثبات سنجش بالای آزمون سنجش دینداری فرد است. پس از اطمینان از دقت و ثبات آزمون از آن به عنوان ابزار پژوهش استفاده شد (آرین ۱۳۷۸). در این مطالعه نیز پایایی پرسش نامه توسط ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت که $0/90 = \alpha$

محاسبه شد.

پرسش‌نامه پایگاه هویت نوجوانان (Bennion, & Adams, 1986)

این آزمون توسط آدامز و همکاران (۱۹۸۹) ساخته شد. این آزمون هویت را مورد بررسی قرار می‌دهد. مؤلفه‌ها یا خرده این آزمون عبارتند از خرده مقیاس هویت آشفته، هویت زود شکل گرفته، هویت به تعویق افتاده و هویت پیشرفت می‌باشد. پرسش‌نامه حاوی ۶۴ سؤال و چهار خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه عبارتند از:

۱. خرده‌مقیاس هویت آشفته،
 ۲. خرده‌مقیاس هویت زود شکل گرفته،
 ۳. خرده‌مقیاس هویت به تعویق افتاده
 ۴. خرده‌مقیاس هویت تحقق یافته.
- هر خرده‌مقیاس شامل ۱۶ سؤال می‌باشد. این خرده‌مقیاس چهار پایگاه هویت آشفته، زود شکل گرفته، به تعویق افتاده و هویت تحقق یافته را مشخص می‌کنند. سؤالات این آزمون در مقیاس ۶ درجه‌ای تنظیم شده است به این صورت الف) کاملاً موافقم، موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، مخالفم و کاملاً مخالفم. ب) موارد الف تا ه) به ترتیب نمره ۶-۵-۴-۳-۲-۱ تعلق می‌گیرد.
- سؤال‌های ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴ پایگاه هویت آشفته می‌باشد.
 - سؤال‌های ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴ پایگاه هویت زود شکل گرفته می‌باشد.
 - سؤال‌های ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴ پایگاه هویت به تعویق افتاده می‌باشد.
 - سؤال‌های ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴ پایگاه هویت تحقق یافته می‌باشد.

بنین و همکاران (۱۹۸۹)، پنج نوع روایی را در مورد این پرسش‌نامه مورد بررسی قرار داده‌اند. روایی پیش‌بین همزمان، روایی تحلیل عاملی، روایی همگرا و واگرا. نتایج حاکی از ارتباط پایگاه‌های هویتی با یکدیگر می‌باشند. در بررسی روایی آزمون هم بستگی متوسطی بین ماده‌های خرده مقیاس‌های آزمون به دست آمده است. میانگین همبستگی بین ماده‌های خرده مقیاس در بعد ایدئولوژیک و بین فردی برای هویت دستیابی (موفق) از ۰/۲۶ تا ۰/۳۲، برای هویت تعلیق (معوق) از ۰/۲۱ تا ۰/۳۲، برای هویت ممانعت (زودرس) از ۰/۳۳ تا ۰/۴۰، برای پایگاه پراکندگی ۰/۳۶ تا ۰/۳۷٪ بود. پایایی این پرسش‌نامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است که بر اساس اجرای مقدماتی، ضریب کل پایایی کل آزمون ۰/۸۰، خرده مقیاس هویت آشفته ۰/۸۰، خرده مقیاس هویت زود شکل گرفته ۰/۷۱، خرده مقیاس هویت به تعویق افتاده ۰/۸۶ و خرده مقیاس هویت پیشرفت ۰/۷۷ محاسبه شده است. مطالعات مربوط به پایایی و ثبات درونی بر حسب ضریب آلفای کرونباخ در ۱۴ مطالعه با میانگین ۰/۶۶ به دست آمده است. ضریب پایایی با روش آزمون مجدد در بین دانشجویان ایرانی ۰/۵۴ تا ۰/۸۶ به دست آمده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای پایگاه هویت موفق ۰/۷۰، پایگاه هویت زودرس ۰/۸۷، هویت دیررس ۰/۶۶ و هویت سر در گم ۰/۷۸ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش در ابتدا با استفاده از روش آمار توصیفی (فراوانی، درصد) به توصیف داده‌های پژوهش و در ادامه با استفاده از روش آمار استنباطی (آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون و آزمون کولموگروف- اسمیرنوف) به تجزیه و تحلیل سؤال‌های پژوهش پرداخته شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بود متغیرهای شیوه‌های فرزندپروری مادران، پایگاه هویت و دینداری

میزان دینداری	دینداری			پایگاه هویت						شیوه فرزندپروری				آماره
	تعامل الهی	اعمال دینی	باورهای دینی	پایگاه هویت	یافته تحقیق	بهدین‌توانی	زود شکل‌گرفته	آشفته	فرزندپروری مادران	شیوه مقتدرانه	شیوه مستبدانه	شیوه سهل‌گیرانه	سخت‌گیرانه	
۵/۱۲۹۱۷	۱۷/۱۵۸۳	۱۱/۴۰۰۰	۲۲/۳۳۳	۲۳۲/۴۳۳	۶۸/۰۶۶۷	۶۴/۰۳۳۳	۵۲/۴۸۳۳	۴۷/۸۵۰۰	۹۸/۹۴۱۷	۴۱/۱۱۶۷	۲۸/۷۱۶۷	۲۹/۱۰۸۳	۲۹/۱۰۸۳	
۶/۸۰۸۷۹	۲/۸۱۶۵۱	۲/۷۵۱۳۲	۲/۴۳۱۳۵	۳۴/۸۰۲۶۲	۱۰/۱۷۴۷۲	۱۰/۰۸۵۲۹	۱۵/۲۲۷۱۲	۱۱/۶۴۶۵۱	۱۳/۲۸۵۶۸	۵۶/۰۱۹۰	۷/۱۳۵۱۷	۹/۶۳۲۹۹	۹/۶۳۲۹۹	
۰/۱۱۳۱	۰/۴۰۱	۰/۱۳۶	۰/۴۱۰	۰/۱۱۵	۰/۰۵۵۵	۰/۰۵۵۵	۰/۰۷۶	۰/۱۱۸	۰/۰۶۳	۰/۱۱۹	۰/۰۶۲	۰/۰۷۴	۰/۰۷۴	
۰/۱۰۰۰	۰/۱۵۷	۰/۰۹۵	۰/۱۷۶	۰/۱۱۵	۰/۰۵۵۵	۰/۰۴۴	۰/۰۷۶	۰/۱۱۸	۰/۰۶۳	۰/۰۸۰	۰/۰۵۹	۰/۰۷۴	۰/۰۷۴	
-۰/۱۳۳	-۰/۲۰۱	-۰/۱۳۶	-۰/۴۱۰	-۰/۰۶۲	-۰/۰۴۵	-۰/۰۵۵۵	-۰/۰۴۶	-۰/۰۷۶	-۰/۰۳۹	-۰/۱۱۹	شیوه مستبدانه	-۰/۰۴۶	-۰/۰۴۶	
۱/۴۵۸	۲/۳۰۰	۱/۴۹۳	۲/۳۰۴	۱/۲۶۲	۰/۶۰۱	۰/۶۰۱	۰/۸۳۳	۱/۲۹۷	۰/۶۸۶	۱/۳۰۸	۱۲۰	شیوه سهل‌گیرانه	شیوه سهل‌گیرانه	
۰/۰۲۸	۰/۰۰۰	۰/۰۲۳	۰/۰۰۰	۰/۰۸۳	۰/۸۶۲	۰/۸۶۳	۰/۰۴۹۲	۰/۰۶۹	۰/۷۳۵	۰/۰۶۳	۲۸/۷۱۶۷	۱۲۰	سطح معنی‌داری	

بر اساس سطح معنی داری آزمون کولموگروف-اسمیرنف فوق که در تمامی متغیرهای مربوط به شیوه‌های فرزندپروری مادران و پایگاه هویت دختران بیشتر از ۰/۰۵ است دلیلی بر رد فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد بررسی نداریم. به عبارت دیگر همه مؤلفه‌های شیوه‌های فرزندپروری مادران نرمال می‌باشند. اما در متغیر دینداری متفاوت است بدین معنی که سطح معنی داری آزمون کولموگروف-اسمیرنف فوق در تمامی متغیرهای مربوط به میزان دینداری کمتر از ۰/۰۵ است در نتیجه فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیرهای میزان دینداری رد می‌گردد. به عبارت دیگر توزیع متغیرهای میزان دینداری نرمال نمی‌باشند.

از این رو برای بررسی ارتباط بین متغیرهای مورد مطالعه از تحلیل رگرسیونی استفاده شد برای تحلیل رگرسیونی شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه، سهل‌گیرانه و مقتدرانه به‌عنوان متغیرهای مستقل و میزان دینداری و پایگاه هویت به‌عنوان متغیر وابسته از روش گام‌به‌گام استفاده شد.

جدول ۲. پیش‌بینی میزان دینداری دختران بر اساس شیوه‌های تربیتی مادران

منبع	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۵۱/۱۸۱	۳	۱۷/۰۶۰	۰/۳۶۲	۰/۷۸۰ (a)
باقیمانده	۵۴۶۵/۶۱۰	۱۱۶	۴۷/۱۱۷		
کل	۵۵۱۶/۷۹۲	۱۱۹			

سطح معنی داری تحلیل واریانس فوق بیشتر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده معنی‌دار نبودن اثر متغیرهای مستقل شیوه‌های مستبدانه، سهل‌گیرانه و مقتدرانه در مدل رگرسیونی می‌باشد. براین اساس بین شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه، سهل‌گیرانه و مقتدرانه و میزان دینداری دانش‌آموزان دختر مورد مطالعه رابطه معنی داری وجود ندارد (جدول ۱).

جدول ۳. پیش‌بینی پایگاه هویت دختران بر اساس شیوه تربیتی مستبدانه مادران

مدل	منبع	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
۱	رگرسیون	۴۶۸۲۴/۱۱۶	۱	۴۶۸۲۴/۱۱۶	۵۶/۷۷۹	۰/۰۰۰ (a)
	باقیمانده	۹۷۳۱۱/۳۵۰	۱۱۸	۸۲۴/۶۷۲		
	کل	۱۴۴۱۳۵/۴۶۷	۱۱۹			
۲	رگرسیون	۶۳۴۲۱/۶۰۵	۲	۳۱۷۱۰/۸۰۴	۴۵/۹۶۷	۰/۰۰۰ (b)
	باقیمانده	۸۰۷۱۳/۸۵۹	۱۱۷	۶۸۹/۸۶۲		
	کل	۱۴۴۱۳۵/۴۶۷	۱۱۹			

بر اساس جدول تحلیل واریانس فوق در هر دو مدل ۱ و ۲ سطح معنی‌داری آزمون تحلیل واریانس کمتر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده معنی‌دار بودن اثر متغیر شیوه مستبدانه در مدل ۱ و متغیرهای شیوه مستبدانه و شیوه سهل‌گیرانه در مدل ۲ می‌باشد.

جدول ۴. پیش‌بینی پایگاه هویت دختران بر اساس شیوه‌های تربیتی مادران

مدل	منبع	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t	سطح معنی داری
		ضرایب	خطای برآورد	ضریب همبستگی جزئی (Beta)		
۱	مقدار ثابت	۱۵۲/۵۹۹	۱۰/۹۱۴		۱۳/۹۸۱	۰/۰۰۰
	شیوه مستبدانه	۲/۷۸۰	۰/۳۶۹	۰/۵۷۰	۷/۵۳۵	۰/۰۰۰
	مقدار ثابت	۱۱۷/۹۴۷	۱۲/۲۲۹		۹/۶۴۵	۰/۰۰۰
۲	شیوه مستبدانه	۱/۹۸۴	۰/۳۷۴	۰/۴۰۷	۵/۲۹۹	۰/۰۰۰
	شیوه سهل‌گیرانه	۱/۹۷۶	۰/۴۰۳	۰/۳۷۷	۴/۹۰۵	۰/۰۰۰

بر اساس جدول ضرایب ۳ در مدل ۲، مدل آماری تحقیق عبارتست از:

$$y = 117.947 + 1.984x_1 + 1.976x_2$$

در این قسمت با استفاده از اطلاعات به‌دست آمده از بررسی‌های آماری، درصد مشارکت هر یک از متغیرها را مشخص می‌نمائیم. Beta در جدول آزمون معنی‌داری ضرایب

رگرسیون، نشان دهنده میزان تغییر متغیر وابسته (براساس واحد انحراف معیار) به ازای تغییری به اندازه یک انحراف معیار در متغیر مستقل است. برای این اساس متغیر مستقل شیوه مستبدانه بیشترین نقش (همبستگی جزئی) با مقدار $0/407$ و پس از آن متغیر شیوه سهل گیرانه با ضریب همبستگی جزئی $0/377$ نقش خود را در پایگاه هویت دانش آموزان دختر ایفاء می کنند. بر اساس مدل رگرسیونی فوق شیوه مقتدرانه رابطه معنی داری با پایگاه هویت دانش آموزان دختر نداشته است.

بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مادران و پایگاه هویت و دینداری دختران بود. یافته‌های حاصله حاکی از این است که بین شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه مادران و پایگاه هویت دختران رابطه معنی دار وجود دارد. بدین معنی هنگامی که شیوه‌های فرزندپروری مادران، مقتدرانه (بازگو نمودن دلایل تصمیم‌های اتخاذ شده از سوی والدین، قانع نمودن بچه‌ها نسبت به محدودیت‌های ایجاد شده در خانواده در صورت اعتراض، راهنمایی کردن به جای تنبیه در صورت رفتار فرزندان برخلاف میل والدین، دخالت دادن و نظرخواهی نمودن از فرزندان هنگام تصمیم‌گیری در مورد مسائل و برنامه‌های خانواده و...) می‌گردد، پایگاه هویت آنان نیز (سیستم باورها، آرزوها، عقاید، مهارت‌ها و تاریخچه فردی) به صورت قوام یافته و منسجم‌تر شکل می‌گیرد. والدین اقتدارگرا به رغم کنترل بر فرزندان خویش نسبت به آنان انعطاف‌پذیر هم هستند. آنها با دلیل و منطق شرایطی را که می‌خواهند فرزندانشان بپذیرند توضیح می‌دهند. طوری که خودمختاری فرزندانشان را می‌پذیرند و افکار نقادانه را تشویق می‌کنند. این والدین متوقع و در عین حال پاسخ‌گویی هستند. این والدین دارای روشی گرم، پذیرند، فرزندمحور و در عین حال دارای کنترل متعادل هستند به فرزندان خویش اجازه مسئولیت متناسب با سن را می‌دهند و محیطی را فراهم می‌کند که در حداکثر مصالح کودک برای تبدیل شدن به یک فرد مطمئن و مستقل در آن موجود است. کودک اولین مرحله کسب هویت خود را از طریق ارتباط با والدین و نزدیکان خود از خانواده کسب می‌کند و این را می‌توان نخستین و رایج‌ترین سطح هویتی در جامعه بشری دانست. حال اگر والدین شیوه فرزندپروری مقتدرانه است این مسلماً روی هویت فرزند تأثیر مناسب می‌گذارد. پس نتیجه می‌گیریم که بین شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و پایگاه هویت دختران رابطه وجود دارد. در تبیین نتایج این یافته می‌توان گفت که با توجه به اینکه در سال‌های اولیه زندگی کودک خودهای متفاوتی دارد و از عدم ثبات بین آنها و از

فقدان وحدت و کلیت رنج نمی‌برد با ظهور عملیات صوری نوجوان می‌تواند به صورت درون‌نگران به وحدت و یکپارچگی بنشینند و کلیت به این ترتیب آرمانی است که در اواخر نوجوانی درک می‌شود. با توجه به اینکه کودک اولین مرحله کسب هویت خود را از طریق ارتباط با والدین و نزدیکان خود از خانواده کسب می‌کند و با توجه به اینکه خانواده اولین محیطی است که کودک در آن به دنیا می‌آید سپس نتیجه می‌گیریم که شیوه‌های فرزندپروری والدین در هویت نوجوان تأثیر به‌سزایی دارد. این یافته با نتایج باباپور و همکاران (۱۳۹۰) و (پوررضائیان ۱۳۹۳) نشانگر اثر روابط صمیمانه و محبت‌آمیز والدین بر رشد هویت فرزندان است، همسو می‌باشد.

دیگر یافته این پژوهش معنی‌دار بودن رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و پایگاه هویت دختران بود. بدین معنی هنگامی که شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه مادران، مقتدرانه (بازگو نمودن دلایل تصمیم‌های اتخاذ شده از سوی والدین، قانع نمودن بچه‌ها نسبت به محدودیت‌های ایجاد شده در خانواده در صورت اعتراض، راهنمایی کردن به‌جای تنبیه در صورت رفتار فرزندان برخلاف میل والدین، دخالت دادن و نظرخواهی نمودن از فرزندان هنگام تصمیم‌گیری در مورد مسائل و برنامه‌های خانواده و...)، پایگاه هویت دختران را (سیستم باورها، آرزوها، عقاید، مهارت‌ها و تاریخچه فردی) به صورت قوام یافته و منسجم‌تر شکل می‌گیرد. این یافته با نتایج پژوهش‌هایی که نشانگر اثر روابط صمیمانه و محبت‌آمیز والدین بر رشد هویت فرزندان است، مثل باباپور خیرالدین و همکاران (۱۳۹۰) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته قابل ذکر است که نوجوانی که والدین آن‌ها اقتدار منطقی داشتند بیشتر دارای هویت زود شکل گرفته بود. چرا که والدین اقتدار گرا به رغم کنترل بر فرزندان خویش نسبت به آنان انعطاف‌پذیر هم هستند. آنها با دلیل و منطق شرایطی را که می‌خواهند فرزندانشان بپذیرند توضیح می‌دهند. طوری که خودمختاری فرزندانشان را می‌پذیرند و افکار نقادانه را تشویق می‌کنند. این والدین متوقع و در عین حال پاسخ‌گویی هستند. این والدین دارای روشی گرم، پذیرند، فرزندمحور و در عین حال دارای کنترل متعادل هستند به فرزندان خویش اجازه مسئولیت متناسب با سن را می‌دهند و محیطی را فراهم می‌کند که در حداکثر مصالح کودک برای تبدیل شدن به یک فرد مطمئن و مستقل در آن موجود است.

دیگر یافته این مطالعه عدم وجود رابطه معنی‌دار بین شیوه‌های فرزندپروری والدین دینداری دختران بود. این یافته با یافته یزدخواستی و همکاران (۱۳۹۷) همسو است. در تبیین این یافته لازم به ذکر است که دین‌پدیده‌ای همگانی در نوع انسان است هیچ‌کس فارغ از نیاز دینی نیست، و نیاز به یک نظام جهت‌گیری و اعتقادی جزء ذاتی هستی انسان است می‌توان به حدت و شدت این نیاز پی برد و به راستی هیچ منبع قدرتی قوی‌تر از دین در بشر وجود ندارد. عوامل زیادی در دیندار

بودن فرزندان مؤثر است مثل عوامل فردی، اجتماعی، به‌خصوص دیندار بودن والدین و غیره که اینها عوامل مهم‌تری در دیندار بودن فرزندان هستند و والدین از هر نوع سبک فرزندپروری استفاده کنند سبک فرزندپروری شان بر دیندار بودن فرزندانشان مرتبط نیست. پس با توجه به تبیین حاضر و نتیجه تحقیق نتیجه می‌گیریم که بین شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و دینداری دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌تواند اطلاعات مهمی برای والدین، مربیان و مسئولان به همراه داشته باشد. با توجه به آن که نتایج این پژوهش حاکی از نقش محبت و کنترل والدین در شکل‌گیری سبک‌های پرورش‌دهی و مسئولیت‌پذیری و همچنین نقش سبک‌های پرورش‌دهی در مسئولیت‌پذیری نوجوانان می‌باشد، ضرورت آگاه‌سازی خانواده‌ها در خصوص اثرات روش‌های تربیتی آنان بر رشد هویت و مسئولیت‌پذیری فرزندان بیش از پیش نمایان می‌شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود با توجه به آن که در نظام تعلیم و تربیت بر جایگاه خانواده تأکید ویژه‌ای می‌گردد آموزش خانواده توسط متخصصین مجرب و متعهد، در رأس برنامه‌های آموزشی نظام تعلیم تربیت قرار گیرد. با آموزش شیوه‌های صحیح کنترل هدفمند همراه با گرمی و محبت، به والدین، می‌توان به ایجاد جو تربیتی مقتدرانه در خانواده‌ها کمک نمود و از این طریق به بهبود روند شکل‌گیری هویت نوجوانان، شرایط مشارکت و مسئولیت‌پذیری آنان در خانواده و اجتماع کمک نمود. علاوه بر این با توجه به اینکه در پژوهش حاضر تنها به کشف روابط بین متغیرها پرداخته شد در پژوهش‌های آتی می‌توان با استفاده از روش آزمایشی پیشنهادات پژوهش حاضر را در مورد اثر شیوه‌های فرزندپروری بر هویت و دینداری مورد آزمون قرار داد. ضمناً با توجه به این‌که یافته‌های حاصله محصول مطالعه بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بابل است در تعمیم یافته‌های این مطالعه به دیگر زیست و بوم‌های متفاوت باید تأمل نمود.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مشاوره در دانشگاه علامه طباطبائی است. بدین جهت از همه اساتید به ویژه اساتید و دانش‌آموزان و اولیاء دانش‌آموزان که در این پژوهش شرکت کردند سپاسگزاری می‌شود.

- اسفندیاری، غلامرضا. (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتار فرزندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، انستیتو روان پزشکی تهران.
- آرین، سید خدیجه. (۱۳۷۸). بررسی رابطه دینداری و روان درستی ایرانیان مقیم کانادا. رساله دکتری چاپ نشده دانشگاه علامه طباطبائی.
- بابور خیرالدین، جلیل، اسماعیلی انامق، بهمن؛ غلامزاده، مجتبی و محمدپور، وهاب. (۱۳۹۱). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و سبک هویتی نوجوانان. *مجله روان‌شناسی*، ۱۶(۲): ۱۷۵-۱۶۱.
- بیگدلی، زهرا و ماهروزاده، طیبه. (۱۳۹۴). تأثیر سبک‌های تربیتی والدین بر انجام اعمال عبادی فرزندان. مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام آموزشی.
- پوررضائیان. (۱۳۹۳). نقش الگوی ارتباطی خانواده و سبک‌های فرزندپروری والدین در هویت والدین در هویت یابی و سلامت روان شناختی نوجوانان. مقاله ششمین کنگر ملی آسیب‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- حیدری، آرمان، رضائی باصری، عباس. (۱۳۹۴). بررسی رابطه استفاده از اینترنت، برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای و هویت دینی دانش‌آموزان، *فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱(۱): ۶۰-۳۹.
- رجب تبار درویشی، فاطمه، سلیمان یحیی زاده، سلیمان و حسینی، سید حمزه. (۱۳۹۵). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با نگرش مذهبی و سلامت روانی دانش‌آموزان دختر، *دین و سلامت*، ۴(۱): ۶۴-۵۷.
- زیرین جوی الوار، مریم، فیاض، ایراندخت. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین روش‌های تربیتی مادران با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان (با تأکید بر آموزه‌های تربیت اسلامی)، *فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲(۲): ۳۷-۶۰.
- شکری نسرین، یوسفی مرضیه، صفایی ابرج، اکبری طیبه، موسوی سید مریم، نظری سیمین. (۱۳۹۴). همبستگی رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش‌آموز با شیوه‌های فرزندپروری والدین، نشریه مدیریت ارتقای سلامت دوره ۵ شماره ۱.
- طباطبائی، سیدمحمد. (۱۳۹۴). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری مادران با بهداشت روانی دختران. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۱۱(۲): ۸۹-۱۰۸.
- ظهیری، مژگان و هنرپروران، نازنین. (۱۳۹۵). رابطه شیوه‌های فرزندپروری با بلوغ اجتماعی و سبک‌های مقابله‌ای دختران نوجوان شهر اصفهان سال ۱۳۹۴. *مجله سلامت جامعه*، ۱۰(۴): ۳۸-۴۶.
- محمدی شوره، طیبه، فرج‌اللهی، مهرا. (۱۳۹۶). بررسی نقش روش الگویی کارگزاران نظام آموزشی در پیش‌بینی دینداری دانش‌آموزان دختر شهر تهران، *فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲(۳): ۱۶۰-۱۳۷.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۵). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
- یزدخواستی، علی، بابایی فرد، اسدالله، کیانی، اعظم. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر تربیت دینی دانشجویان دانشگاه کاشان، *فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۳(۴): ۱۵۲-۱۲۹.
- یوسفی، ناصر، امانی، احمد و بابایی، مسعود. (۱۳۹۴). پیش‌بینی گرایش به بزهکاری براساس سبک‌های هویت، فرزندپروری و دلبستگی به والدین و همسالان. *فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان غربی*، ۸(۲۷): ۸۲-۵۷.

REFERENCES

- Abbotts JE, Williams RG, Sweeting HN, West PB. (2004). *Is going to church good or bad for you? Denomination, attendance and mental health of children in West Scotland*. Social.
- Ahmadi F, Taghipoor E, Khodabakshi Kulaei A. (2010). The comparison of the Objective Measure of Ego-identity Status: An identity instrument for use with late adolescents. *Journal of Adolescent Research, 1*, 183-198.
- Bennion, L. D., & Adams, G. R. (1986). A revision of the Extended Version of the Objective Measure of Ego-identity Status: An identity instrument for use with late adolescents. *Journal of Adolescent Research, 1*, 183-198.
- Berzonsky, M.D., & Kuk, L.S. (2005). Identity style, psychological maturity, and academic

- performance. *Personality and Individual Differences*, 39(1), 235-247.
- Cassidy, T. (2011). Family background and environment, psychological distress.
- Dudley L. Poston, J. R. (2014). The Family and Social Change in Chinese Societies. The Springer Series on Demographic Methods and Population Analysis, *Journal of Early Adolescence*, 34(2), 521-528.
- Erikson, E. H. (1970). Autobiographical notes on the identity crisis. *Daedalus*, 99(4), 730-759.
- Habiballah Nataj, L., Jadidi, M., & Tirkarei, A. (2013). A comparison of parenting styles, perfectionism and psychological problems of university students. *International Journal of Basic Sciences & Applied Research*, 2(7), 697-702, Available online at <http://www.isicenter.org>.
- identity formation styles in teenagers with/without substance abuse. *J ResAddic*.
- Juvenile delinquency, *Psychology*, 2, 941-947.
- Marcia, J.E. (1980). Identity in adolescence. In J. Adelson (Ed.), *Handbook of adolescent psychology* (pp. 159- 187). New York: Wiley.
- Mendonca, M., Fontaine, A. M., (2014). The role maturity of parents of emerging adult children: validity of parental maturity measure. *Journal of Adult Development*, 21(2), 116-128.
- Papalya, D. A. (2016). *Developmental psychology and human development*. Translation Quhistani et al Tehran: growth.
- Savicki, V., & Cooley, E. (2011). American identity in study abroad students: Contrasts, changes, correlates. *Journal of College Student Development*, 52(3), 339-349.
- Science & Medicine. 58(3):645-56.
- Uji, M. Sakamoto, A., Adachi, K. & Kitamura, T. (2014). The impact of authoritative, authoritarian, and permissive parenting styles on children's later mental health in Japan: Focusing on parent and child. *Journal of Child and Family Studies*, 23(2), 293-302.
- Zare, F., Bakhshipour, B., & Hassanzadeh, R. (2014). Parenting style and mental health in Iranian adolescents. *Journal of Novel Applied Sciences*. Available online at www.jnasci.org.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی